

286 - 115

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

289 - 118

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 286

Date of filing: 27.4.87

** AWARD - Type of Award Final
- Date of Award 27.4.87
_____ pages in English 14 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

115

دیوان داوری دعاری ایران - ایالات متحدہ

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 286

Chamber One

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعاری ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED	
Date	27 APR 1987
	۱۳۶۶ / ۲ / ۴
No	286
	تاریخ
	شماره

پرونده شماره ۲۸۶

شعبه یک

حکم شماره ۱-۲۸۶-۳۰۱

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

ویتا کر کورپوریشن،

(برمایت دیویژن)،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

سازمان صنایع دفاع ملی ایران،

خواندگان.

حکم

حاضران :

از طرف خواهان : آقای دی. ای. فیلیپس،
وکیل.

از طرف خواندگان: آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،
آقای اسدالله نوری،
مشاور نماینده رابط،
آقای حسن غلامی،
دستیار نماینده رابط،
آقای غلامعلی بیات،
نماینده سازمان صنایع دفاع ملی ایران.

سایر حاضران: آقای جی. آر. کروک،
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا.

۱ - ادعای پرونده حاضر از قراردادی ناشی می شود که به موجب آن قرار بود خواهان، ویتاکر کورپوریشن (برمایت دیویژن)، برای صنایع نظامی (صنایع نظامی)، یعنی سلف خوانده، سازمان صنایع دفاع ملی ایران (صنایع دفاع)، چاشنی برای استفاده در مهمات ۲۰ میلیمتری تهیه نماید (۱). خواهان با طرح این ادعا که صنایع نظامی از تحویل گرفتن کالاهای موضوع قرارداد خودداری نموده، خسارتی جمعا" به مبلغ ۴۷۹،۹۴۵/۹۲ دلار مطالبه کرده است. صنایع دفاع اظهار می دارد که خواهان در اجرای قرارداد قصور ورزیده، و کلا" مبلغ -/۱۷۵،۴۲۴،۲ دلار خسارت بصورت ادعای متقابل مطرح کرده است. جلسه استماع مقدماتی پرونده در دوم مارس ۱۹۸۴ [۱۲ اسفند ماه ۱۳۶۲] و جلسه استماع در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۶ [۲۴ مهر ماه ۱۳۶۵] تشکیل گردید.

اول - واقعیات و اظهارات

۲ - اختلافی در این مورد وجود ندارد که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸ [۲۹ تیرماه ۱۳۵۷] خواهان و صنایع نظامی قراردادی منعقد کردند که به موجب آن قرار شد خواهان تعداد ۱،۵۰۰،۰۰۰ چاشنی به ارزش -/۱،۹۲،۵۰۰ دلار به بندری در ساحل شرقی ایالات متحده تحویل دهد، تا از آنجا توسط اولین کشتی خطوط کشتیرانی آریا، که متعلق به دولت ایران است، به یکی از بنادر ایران بنام بندر شاهپور حمل گردد. سپس خواهان طبق مقررات قرارداد، از بانک ملی ایران تقاضا نمود ضمانتنامه تحویل بی قید و شرطی معادل ده درصد ارزش کل C & F (بهای کالا + هزینه حمل) به نفع صنایع نظامی صادر نماید. از طرف دیگر، پرداخت وجه چاشنی ها از طریق یک اعتبار اسنادی که بانک مرکزی در نهم سپتامبر ۱۹۷۸ [۱۸ شهریور ماه ۱۳۵۷] به نفع خواهان افتتاح نمود، تضمین گردید.

(۱) در بخش دوم، ب ۲ حکم حاضر، دیوان نظر داده است که صنایع دفاع، یعنی جانشین صنایع نظامی، طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی یک واحد تحت کنترل دولت ایران است، و بدین دلیل در حکم حاضر نام این دو سازمان به طور مترادف بکار می رود.

۳ - ولی طرفین درباره برنامه زمانی مورد توافق برای تحویل [چاشنی ها] با یکدیگر اختلاف نظر دارند. خواهان مدعی است که در قرارداد مقرر شده بود که تمامی -/۱,۵۰۰,۰۰۰ عدد چاشنی بصورت یکجا تا قبل از ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] حمل گردد، در صورتی که صنایع دفاع اظهار می دارد که در قرارداد پیش بینی شده بود که چاشنی ها در سه محموله جداگانه، هر یک حاوی -/۵۰۰,۰۰۰ عدد چاشنی در سه نوبت، بترتیب در روزهای ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸ [دهم دی ماه ۱۳۵۷]، ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ [۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷] و ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] یا قبل از تاریخ های فوق، حمل گردد.

۴ - خواهان طی تلکس مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ [۲۶ آبان ماه ۱۳۵۷] به صنایع نظامی اطلاع داد که به علت وقوع انفجار در یکی از تاسیسات مربوط به تولید چاشنی ها و نیز اعتصاب در حمل و نقل، تحویل به تعویق خواهد افتاد. خواهان ضمن اشاره به این مطلب که ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] تاریخ تحویل است، درخواست کرد که اعتبار اسنادی که قرار بود در تاریخ مزبور منقضی گردد، به مدت ۳۰ روز تمدید شود و مضافاً پیشنهاد نمود که -/۵۰۰,۰۰۰ عدد چاشنی را در ژانویه ۱۹۷۹ حمل کند، به شرط آنکه اعتبار اسنادی اصلاح گردد تا وی مجاز باشد قسمتی از سفارش را حمل نماید.

۵ - صنایع نظامی در دوم و ششم دسامبر ۱۹۷۸ [۱۱ و ۱۵ آذر ماه ۱۳۵۷] تلکسهایی به خواهان مخابره و پیشنهاد کرد که خواهان " قبل از ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] قسمتی از کالاهای مربوطه" را حمل کند و تمدید اعتبار اسنادی "نسبت به بقیه کالا انجام گیرد".

۶ - خواهان ادعا می کند که در آغاز سال ۱۹۷۹ اخباری دریافت کرد حاکی از آنکه بندر شاهپور بسته شده و بانک مرکزی در حال اعتصاب است، و لذا چندین بار کوشید با صنایع نظامی تماس گیرد تا اطلاعاتی دریافت و مخصوصاً اطمینان حاصل کند که سازمان

مزبور تعهدات قراردادی خود را ایفا خواهد نمود.

۷ - خواهان در نامه‌ای به تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ [دهم بهمن ماه ۱۳۵۷] به صنایع نظامی اطلاع داد که در نظر داشته قسمتی از سفارش، یعنی ۵۰۰،۰۰۰ عدد چاشنی را در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ [۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷] حمل کند، ولی اقدام به چنین کاری نخواهد کرد، زیرا اطلاع یافته که ظاهراً در مورد تخلیه کالا در بندر شاهپور مسائل و مشکلاتی وجود دارد و بنظر وی صلاح نیست در زمانی که امر تخلیه ممکن است به تاخیر افتد، چاشنی های قابل انفجار حمل گردد. خواهان در همان زمان به صنایع نظامی اطلاع داد که چون زمان تولید از دست رفته را جبران کرده، لذا "طبق برنامه اولیه" تا ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] تمامی ۱،۵۰۰،۰۰۰ عدد چاشنی را برای تحویل در یکی از بنادر ساحل شرقی ایالات متحده آماده خواهد نمود تا در اولین کشتی موجود بارگیری شود. خواهان خاطر نشان کرد که دیگر نیازی به اجازه تمدید تاریخ تحویل نیست، ولی با ذکر این مطلب که در صورت تعطیل بودن بندر شاهپور و دائر نبودن بانک مرکزی و عدم توانایی آن در پرداخت وجه اعتبار اسنادی، حمل سفارش میسر نمی تواند بود، از صنایع نظامی تقاضا کرد تاریخ انقضای اعتبار اسنادی را از ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] به ۳۱ مارس ۱۹۷۹ [۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۸] تمدید و وضع عملیات بندر را اعلام کرده، از بانک مرکزی بخواهد، پیش از حمل، وجوه را به بانک آو آمریکا، یعنی بانک کارگزار خواهان حواله کند تا اطمینان حاصل شود که "آشوب های داخلی" مانع پرداخت نخواهد شد.

۸ - خواهان در نامه‌ای به تاریخ ۸ فوریه ۱۹۷۹ [۱۹ بهمن ماه ۱۳۵۷] مجدداً به صنایع نظامی اطلاع داد که آماده است ۱،۵۰۰،۰۰۰ عدد چاشنی را حمل کند، و با ذکر این مطلب که وی اطلاع یافته که بندر شاهپور تعطیل و بانک مرکزی در حال اعتصاب است، مجدداً از صنایع نظامی خواست که فوراً اعلام کند که آیا می تواند محموله را تحویل گیرد یا نه، و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا بانک مرکزی می تواند وجه اعتبار

اسنادی را جهت تضمین پرداخت به بانک آو آمریکا حواله نماید، یا خیر.

۹ - خواهان در نامه دیگری به تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ [۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷] تقاضاهای مزبور را تکرار نمود. در نامه مزبور مضافاً چنین آمده است که:

"علاوه براین، در صورت تمایل می توانید با استفاده از حق خود، سفارش فوق را کتبا" و بصورت کامل لغو و اعتبار اسنادی اتکایی را باطل و ضمانتنامه حسن انجام کاری را که بر مایت جهت تضمین سفارش ارسال داشته، آزاد کنید."

سرانجام، خواهان به صنایع نظامی اطلاع داد که با توجه به اینکه تاریخ مقرر برای حمل ۲۸ فوریه ۱۹۷۹ [نهم اسفند ماه ۱۳۵۷] می باشد، وی باید حداکثر تا ۱۹ فوریه ۱۹۷۹ [۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۷] اطلاعیه صنایع نظامی را دریافت نماید. صنایع نظامی تا تاریخ مزبور جوابی نداد.

۱۰ - خواهان طی تلکسی که در ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ [هشتم اسفند ماه ۱۳۵۷] به صنایع نظامی مخابره کرد، اظهار داشت که پاسخ تلکس ها و نامه های اخیر خود را دریافت نکرده و اضافه کرد که تولید و آزمایش چاشنی های سفارشی را در تاریخ نهم فوریه ۱۹۷۹ [۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۷] به انجام رسانده، ولی حمل آنها مقدور نبوده است، زیرا "خلوط کشتیرانی آریا (اولا)" طبق برنامه وارد بندر نشده و (ثانیا) محمولات مواد منفجره را نمی پذیرد، و (ثالثا) اعتصابات مانع از تخلیه کالا در بندر شاهپور شده است". علاوه براین، خواهان پس از اعلام مجدد نگرانی خود از بسته بودن سیستم بانکی ایران، چنین ادامه داد:

"اگر کماکان مایلید سفارش مورد اشاره را تحویل بگیرید، خواهشمند است به بانک مرکزی دستور دهید وجوه لازم را برای پرداخت [اعتبارات اسنادی] به بانک [آو] آمریکا حواله و اعتبار اسنادی را نیز تا سوم آوریل ۱۹۷۹ [۱۴ فروردین ماه ۱۳۵۸] تمدید نمایید.

اگر مایل به تحویل گرفتن سفارش نیستید، لطفاً سفارش را لغو کنید و برمایت را از تعهدی که بابت تحویل سفارش دارد، مبری سازید."

۱۱ - خواهان تا ۲۶ مه ۱۹۷۹ [پنجم خرداد ماه ۱۳۵۸] پاسخی از صنایع نظامی دریافت نکرد. در آن تاریخ، سازمان مزبور ضمن ارسال تلکسی به خواهان، اظهار داشت که "به سبب تغییراتی که در جریان عادی خطوط تولید ما به وقوع پیوسته، به کالای [سفارش داده شده] نیازی نداریم...". صنایع نظامی مضافاً اعلام کرد که قبلاً به بانک ملی دستور داده ضمانتنامه خواهان را آزاد کند. در پایان تلکس آمده است که "ما برای احتیاجات آتی خود با شما تماس خواهیم گرفت."

۱۲ - تا قبل از جریان رسیدگی حاضر، طرفین تماس دیگری با یکدیگر نگرفتند. طبق اظهار خواهان چاشنی ها در انبار باقی ماندند تا آنکه به مشتریان دیگر فروخته شدند که در فاصله اکتبر ۱۹۷۹ و ژوئن ۱۹۸۰ تحویل داده شوند.

۱۳ - خواهان ادعا می کند که طبق قانون کالیفرنیا، که به نظر وی قانون حاکم [برقرارداد] است، یا در غیر اینصورت، طبق اصول کلی حقوق تجارت بین الملل، وی حق داشته قبل از حمل چاشنی ها به بندری در ساحل شرقی ایالات متحده جهت ارسال به ایران، از صنایع نظامی تضمینهای کافی برای انجام تعهد خود دریافت نماید. خواهان اظهار می دارد که صنایع نظامی به موقع به سئوالات متعدد وی جواب نداده و بدین ترتیب قرارداد را نقض و رد کرده است. مضافاً خواهان استدلال می کند که صنایع نظامی با تلکسی که در ۲۶ مه ۱۹۷۹ [پنجم خرداد ماه ۱۳۵۸] مخابره نموده، قرارداد را مستقلاً و مجدداً نقض و رد کرده است.

۱۴ - خواهان خساراتی به شرح زیر مطالبه نموده: (۱) -/۳۲۴،۱۵۹ دلار بابت

عدم النفع، (۲) ۸۹،۵۲۷/- دلار بابت بهره ارزش چاشنی ها در مدت نگهداری در انبار تا موقع فروش، (۳) ۸۱،۶۰۷/۹۲ دلار بابت "مخارج اضافی" شامل هزینه حمل و انبارداری، هزینه اعتبار اسنادی، "هزینه اضافی جابجایی"، و مخارج دعوی (منجمله حق الزحمه وکلا و هزینه داوری)، (۴) بهره به نرخ ۱۲ درصد نسبت به ارقام (۱) و (۲) فوق که طبق محاسبه خواهان تا تاریخ اول ژوئن ۱۱]۱۹۸۴ خرداد ماه ۱۳۶۳] به ۱۴۲،۴۸۷/- دلار بالغ می شود.

۱۵ - خوانندگان ضمن ایراد به صلاحیت دیوان، ادعا نموده اند که خواهان تابعیت امریکایی خود را طبق مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی ثابت نکرده است، و نیز منکر آنند که صنایع دفاع، به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، یک واحد تحت کنترل دولت ایران یا یکی از تقسیمات فرعی سیاسی آن است. علاوه براین در جلسه استماع مشاور نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران این ایراد را مطرح نمود که ادعا، طبق الزامات بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] پابرجا نبوده، زیرا حسب ادعا خواهان قبل از آن تاریخ ادعایی تسلیم نکرده بود.

۱۶ - دولت جمهوری اسلامی ایران با اظهار این مطلب که صنایع دفاع یک "واحد حقوقی مستقل" و "مستقیماً" طرف دعوی است، نمی پذیرد که دولت، خواننده واقعی پرونده حاضر است. دولت ایران از دیوان تقاضای رد ادعا را نموده و بابت هزینه های حقوقی متحمل در این جریان رسیدگی، خسارت مطالبه کرده است. بعد از لایحه دفاعیه ای که دولت در ۵ ژانویه ۱۹۸۳]۱۵ دی ماه ۱۳۶۱] به ثبت رساند، لایحه دیگری تسلیم نکرد.

۱۷ - در مورد ماهیت ادعا، صنایع دفاع منکر آنست که در اوائل سال ۱۹۷۹ بنادر ایران تعطیل و بانک مرکزی در حال اعتصاب بوده، و ادعا می کند که در دوره مورد بحث، ارسال محمولات، منجمله ارسال مواد منفجره به ایران توسط کشتی های ایرانی

امکان پذیر بود. سازمان مزبور استدلال می کند که خواهان نتوانسته ثابت کند که چاشنی ها به موقع تولید شدند تا طبق برنامه مقرر حمل شوند. صنایع دفاع ضمن اظهار این مطلب که قوانین ایران حاکم [برقرارداد] است، انکار می کند که خواهان حق داشته از صنایع نظامی تضمین خاصی در مورد ایفای تعهد خود دریافت نماید. صنایع دفاع مضافاً اظهار می دارد که نامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ [۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷] خواهان و تلکس مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ [هشتم اسفند ماه ۱۳۵۷] وی به صنایع دفاع اختیار داد که قرارداد را فسخ نماید. صنایع دفاع ادعا می کند که تصمیم گرفت در ۲۶ مه ۱۹۷۹ [پنجم خرداد ماه ۱۳۵۸] قرارداد را لغو و ضمانتنامه بانکی خواهان را آزاد کند، چون معلوم شد که خواهان آنرا اجرا نخواهد نمود.

۱۸ - صنایع دفاع ادعای متقابلی بابت خسارات ناشی از قصور ادعایی خواهان در ایفای تعهد خود بنحو مقرر در قرارداد، تسلیم نموده است. طبق لایحه دفاعیه صنایع دفاع که در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۳ [پنجم بهمن ماه ۱۳۶۱] به ثبت رسید، کل مبلغ خواسته که در ابتدا مطالبه شد $۶۱۶٬۶۷۵/-$ دلار بود. در لایحه‌ای که خوانده در ۱۴ اوت ۱۹۸۴ [۲۳ مرداد ماه ۱۳۶۳] به ثبت رساند، مبلغ فوق را به $۲٬۴۲۴٬۱۷۵/-$ دلار افزایش داد که شامل اقلام زیر است: (۱) $۲۵۷٬۰۰۰/-$ دلار بابت عدم النفع، به دلیل اینکه صنایع دفاع قادر نبود چاشنی ها را به موقع به مشتریان خود عرضه کند، (۲) $۲۲۰٬۰۰۰/-$ دلار بابت خسارت ناشی از توقف خط تولید وی به مدت ۲۱ ماه، (۳) $۱٬۸۰۷٬۵۰۰/-$ دلار بابت هزینه تعویض سفارش چاشنی ها، (۴) $۷۱٬۶۵۰/-$ دلار بابت بهره یک "حساب مسدود" مربوط به اعتبار اسنادی، (۵) $۱۳٬۵۰۴/-$ دلار بابت کارمزد گشایش اعتبار اسنادی، (۶) $۱۸٬۷۴۶$ دلار بابت هزینه بیمه اعتبار اسنادی، (۷) $۲۳٬۸۵۰/-$ دلار بابت حق الزحمه، (۸) $۱۱٬۹۲۵$ دلار بابت هزینه های اداری پرسنلی سفارش جنس. و بالاخره، صنایع دفاع هزینه های داوری را نیز مطالبه نموده است.

دوم - دلائل حکم

الف - موضوعات شکلی

۱ - دولت ایران به عنوان خوانده

۱۹ - لزومی ندارد درباره اینکه دولت ایران در پرونده حاضر خوانده واقعی می باشد یا خیر، تصمیم گرفته شود، زیرا ادعا در ماهیت مردود شناخته شده است.

۲ - اصلاح ادعای متقابل

۲۰ - همچنین لازم نیست درباره اینکه آیا طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان، اصلاحیه ادعای متقابل قابل قبول است یا خیر، تصمیمی اتخاذ گردد، زیرا دیوان ادعای متقابل را در ماهیت رد می کند.

ب - صلاحیت

(۱) تابعیت خواهان

۲۱ - دیوان بر مبنای مدارک تسلیمی خواهان متقاعد شده که طبق مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، و به موجب ضوابط مقرر در دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲ [۲۹ آذر ماه ۱۳۶۱] صادره در پرونده فلکسی - ون لیسینگ، اینکوریپتد و جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۳۶، شعبه یک (که در Iran-U.S. C.T.R. 455 1 به طبع رسیده) و نیز به موجب دستور مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳ [اول بهمن ماه ۱۳۶۱] صادره در پرونده جنرال موتورز کوریپیشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، پرونده شماره ۹۴، شعبه یک (که در Iran- U.S. C.T.R. 1 3 به طبع رسیده) خواهان تبعه ایالات متحده است. همچنین رجوع شود به: پرونده شماره الف - ۲۰، تصمیم شماره الف - ۲۰ مورخ ۴۵-۲۰ ژوئیه ۱۹۸۶ [۱۹ تیر ماه ۱۳۶۵] دیوان عمومی.

(۲) صنایع دفاع به عنوان یک "واحد تحت کنترل"

۲۲ - خواهان ادعا می کند که صنایع دفاع طبق مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، بخشی از دولت ایران و یک واحد تحت کنترل آن دولت است. صنایع دفاع در لایحه خود که در ۱۴ اوت ۱۹۸۴ [۲۳ مرداد ماه ۱۳۶۳] به ثبت رساند، و همچنین در جلسه استماع مقدماتی اظهار داشت که یک شخصیت حقوقی انتفاعی و مستقل از دولت ایران است.

۲۳ - دیوان متذکر می گردد که صنایع دفاع در لایحه دفاعیه خود که در ۲۵ ژانویه ۱۹۸۳ [پنجم بهمن ماه ۱۳۶۱] به ثبت رساند، اظهار داشت که همان "صنایع نظامی سابق بوده و اکنون یکی از مؤسسات دولت جمهوری اسلامی ایران است." دیوان مضافاً متذکر می گردد که سازمان مزبور در دو حکم مبتنی بر شرایط مرضی الطرفین، خوانده بوده و اعتراضی نسبت به این امر نکرده است. رجوع شود به حکم شماره ۲-۳۸۹-۱۷۷ مورخ دهم مه ۱۹۸۵ [۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴] صادره در پرونده وستینگهاوس الکتریک کوریوریشن و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و نیز حکم شماره ۱-۸۲۹-۲۴۲ مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۶ [سوم مرداد ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده لاکهد کوریوریشن و دولت ایران و سایرین و بالاخره، دیوان در پاراگراف ۲۲ حکم شماره ۱-۱۲۳-۲۹۰ مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۸۷ [نهم بهمن ماه ۱۳۶۵] صادره در پرونده اینترنشنال اسکولز سرزیزه، اینکوریوریتد و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، نظر داد که اختلافی درباره این امر وجود ندارد که سازمان صنایع دفاع ملی ایران، یعنی همان خوانده پرونده حاضر، یکی از واحدهای تابعه دولت ایران است. لذا، دیوان براین نظر است که به موجب بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، نسبت به صنایع دفاع صلاحیت رسیدگی دارد.

۳ - پابرجا بودن ادعا

۲۴ - لازم نیست درباره اینکه آیا طبق مقررات بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعا در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دی ماه ۱۳۵۹] پابرجا بوده یا خیر، تصمیمی اتخاذ گردد، زیرا دیوان ادعا را در ماهیت رد می کند.

ج - ماهیت

۲۵ - دیوان با توجه به سوابق و مدارک مطروح، براین نظر است که قرارداد در سال ۱۹۷۹ با توافق طرفین فسخ شد. خواهان در نامه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۷۹ [۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷] و تلکس مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ [هشتم اسفند ماه ۱۳۵۷] خود اختیار فسخ قرارداد را به صنایع نظامی داد. متن مربوط در پاراگراف های ۹ و ۱۰ فوق نقل شده است. در تلکس مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۹ [هشتم اسفند ماه ۱۳۵۷] به صنایع نظامی اختیار داده شد که یا کالا را تحویل گیرد، مشروط بر آنکه بانک مرکزی وجه (لازم) را به بانک آو آمریکا حواله و اعتبار اسنادی را تمدید کند، یا چنانچه سازمان دیگر تمایلی به تحویل گرفتن سفارش ندارد، قرارداد را فسخ نماید. این پیشنهاد فسخ مقید به قید و شرطی نبود، جز آنکه تقاضا شد خواهان از "تعهدی که نسبت به تحویل سفارش دارد" مبری گردد، که باید چنین تلقی کرد که این ابراء شامل آزاد کردن ضمانتنامه بانکی که جهت تضمین حسن انجام این تعهد، داده شده بود نیز می گردید. دیوان براین نظر است که صنایع نظامی با ارسال تلکس مورخ ۲۶ مه ۱۹۷۹ [پنجم خرداد ماه ۱۳۵۸] خود که طی آن به خواهان اطلاع داد که کالای [سفارش داده شده] دیگر مورد نیاز نیست، پیشنهاد فسخ قرارداد را پذیرفت. آخرین جمله تلکس که می گوید "ما برای احتیاجات آتی خود با شما تماس خواهیم گرفت"، حاکی از آن است که صنایع نظامی قرارداد را فسخ شده تلقی نمود. علاوه براین، تا زمان ثبت پرونده حاضر در دیوان، هیچ یک از طرفین مدعی نقض قرارداد توسط طرف دیگر نشده، یا ادعای خسارتی نکرد.

۲۶ - خواهان خاطر نشان ساخته که در تلکس مورخ ۲۶ مه ۱۹۷۹ پنجم خرداد ماه ۱۳۵۸ [صنایع نظامی اشاره‌ای به پیشنهاد مطروح در تلکس ها و نامه های قبلی خواهان به عمل نیامده، بلکه اظهار شده که به علت "تغییراتی" در خطوط تولید صنایع نظامی، چاشنی ها دیگر مورد نیاز نیستند. ولی این امر ارتباطی به موضوع ندارد، زیرا خواهان به سازمان مزبور اختیار داده بود که قرارداد را بهر دلیل که بخواهد فسخ کند. دیوان همچنین این اظهار را که اخطار فسخ با تاخیر صورت گرفته، رد می کند. اولاً" در تلکس مورخ ۲۷ فوریه خواهان [هشتم اسفند ماه ۱۳۵۷] مهلتی برای پذیرش پیشنهاد [فسخ] تعیین نشده بود. ثانیاً" در وضعیتی که در اوایل سال ۱۹۷۹ در ایران حاکم بود و خواهان نیز آنرا تصدیق می کند، پاسخی که صنایع نظامی سه ماه بعد داده، باز هم ظرف مدت معقولی ارسال شده است. موعید این نتیجه‌گیری، عدم اعتراض خواهان به فسخ قرارداد است و صنایع نظامی، با توجه به اینکه خود خواهان چنین اختیاری را به وی داده بود، می توانست این عدم اعتراض را به عنوان پذیرفته شدن فسخ تلقی کند.

۲۷ - از آنجا که دیوان نظر داده است که طرفین با موافقت یکدیگر قرارداد را فسخ کرده‌اند، لذا دیوان هم ادعا و هم ادعای متقابل را رد می کند. در نتیجه لازم نیست که دیوان به سایر موضوعاتی که طرفین در مورد قرارداد مطرح ساخته‌اند، بپردازد.

د - هزینه‌ها

۲۸ - دیوان براین عقیده است که هریک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل کند و درخواست دولت ایران را برای دریافت هزینه رد می نماید، زیرا حتی اگر دولت را خوانده واقعی ندانیم [باید گفت که] دولت هزینه های خود را مشخص نکرده و پس از تسلیم یک لایحه دفاعیه مختصر، عملاً "دیگرشرکتی در جریان رسیدگی نداشته است.

سوم - حکم

۲۹ - براساس دلائل پیش گفته:

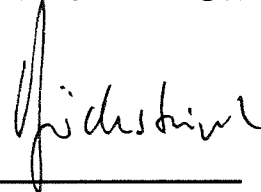
دیوان حکمی به شرح زیر صادر می کند:

(الف) ادعای ویتاگر کورپوریشن (برمایت دیویژن) مردود شناخته می شود.

(ب) ادعای متقابل خوانده، سازمان صنایع دفاع ملی، مردود شناخته می شود.

(ج) هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

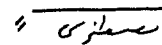
لاسه، به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۸۷ برابر با ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۶۶



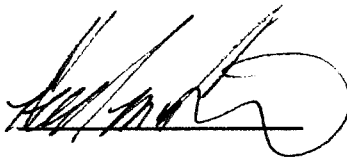
کارل - هاینس بوکشتیگل

رئیس شعبه یک

بنام خدا



محسن مصطفوی



هوارد ام. هولتزمن

نظر مخالف